



دهه هفتاد، عوامل و عناصری از قبیل: پایان یافتن جنگ و آغاز دوران سازندگی و حرکت به سمت افق صنعتی شدن، جذب تمدن تکنیکی و غلبه و رسوخیز تکنولوژی بر عناصر معرفت سنتی، ضرورت تکمیل تمرین آبیاری و مشق روداری در ساحت دموکراسی و گفت‌وگو با غرب و تمدن غربی، ترویج منطق جهان وطنی و نیاز به سازش با عناصر فرهنگ غرب، به عنوان مولود تمدن تکنولوژیکی و تمایل به تسخیر و سرپردگی انسان به ساحت تکنیک و صنعت و فروپاشی معرفت کمونیسم و غلبه لیبرالیسم بر سیاست کلی جهان، از مهم‌ترین عوامل سیاسی اجتماعی و اقتصادی در جهت شکل‌گیری بستر برای ظهور جریان تازه در شعر معاصر فارسی بوده است.

پس از بیست سال که از انتشار «خداى چیزهای کوچک» می‌گذرد ترجمه‌ای تازه از این شاهکار به فارسی منتشر شده که آن را متفاوت از دیگر ترجمه‌ها کرده و آن مقدمه‌جانب آیدایک نویسنده شهیر آمریکایی برنده جایزه پولیتزر است. «استایش آن گفته است: «رمانی خاص و طبلخانه و اثر هیتر هوشمندانه، که زبان خاص و ویژه خود را ابداع کرده است.» به جز این باید از ترجمه بسیار خوب سیروس نوربایر در نشر نقش جهان، همان گفت که لذت خوانش این رمان را دوچندان کرده است؛ این رمان به صف کلاسیک‌های بزرگ جهان پیوسته است. در آغاز جایزه بوکر بوکر، «شاهکاری نظیری که هرگز مثل آن نوشته نشده و نخواهد شد.» به راستی که چنین است؛ «خداى چیزهای کوچک» شاهکاری است که از همان ابتدای در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. در دهه گذشته (که هفت سال از جهان پیوسته است) در آغاز جایزه بوکر را از آن خود کرد و به پرفروش‌ترین کتاب سال تبدیل شد و تا به امروز به بیش از چهل زبان ترجمه شده است. اخیراً، در نوامبر ۲۰۱۹ سیروس جهانی بی‌بی‌سی (بی‌بی‌سی آر‌ت) در فهرست «صداکتاب الهام‌بخش جهان» آن را شصت و دومین کتاب برگزیده قرار داد. آن به عنوان هشتاد و دومین کتابی که جهان را شکل داد، نام برده است. «خداى چیزهای کوچک» در سطح روسی خود، داستان خواهر و برادر دوقلوبی است به نام راحل و استا که مدام در زمان به گذشته (که هفت سال از جهان پیوسته است) در آغاز جایزه بوکر راحل و استا، ۱۹۹۷) کشیده می‌شوند، اما در لایه زیرین، مفاهیم عمیق انسانی چون عشق، فقدان، خیانت، و تجاوز را در بستر تاریخ و اسطوره و مذهب می‌آورد، آن طور که خود آوندانی روی می‌گوید: «برای من چیزی که نوشتن «خداى چیزهای کوچک» را تجربه‌ای ارزشمند تبدیل کرد این است که مردم در سراسر دنیا باین کتاب ارتباط برقرار کرده‌اند، اینکه این کتاب به نوعی بر نقطه‌ای عمیق در وجود انسان دست می‌گذارد.» آغاز، «خداى چیزهای کوچک» اولین رمان شگفت‌انگیز آوندانی روی، به شیوه داستان‌های دانه‌معماری روایت یک رمان می‌شود پسری بانام استازا صحبت‌کردن جلوگیری کند؟ علت فرستادن خواهر دوقلوبش به تبعید در ایالات متحده چیست؟ چرا مادر زیباش، امو، تا پایان مرگ تنها در یک اتاق مخفی هتل ماند؟ چه چیزی باعث مرگ خردتاری انگلیسی‌اش سوفی می‌شود؟ و چرا بویا و روسای و یک خانواده و برزوازی آن‌ها را دربرگرفت؟ از آنجا که چنین پرسش‌هایی مولودرمانیک به نظر می‌رسد، این پرسش‌ها نشان دهنده معماری روایت یک رمان قوی و دقیق است؛ رمانی که سبکی «فاکتور مایانه» در «فاکتور مایانه» رمان بلند پروازی‌های خانوادگی و نژادی و طبقه‌ای دارد و مانند «دیکنز»، جامعه و شخصیت‌ها را تیتیزبانی مشاهده می‌کند. آوندانی روی، فیلمنامه‌نویس است که در ایالات‌متحده بزرگ شده و داستانی لایه‌لایه از خیانت خانوادگی و تمایز عاشقانه با قبح و جلوگیری از داستان در زمان حال و گذشته خلق کرده است.

برایابی قائمه‌های شعر متعهد، به نفعی فردیت
شاعر، تن دادیم.

🔸 **آیا حرکات بدیع شعری و تولدهای تازه
زیبایی‌شناسی می‌تواند ادامه منطقی جریان
شعر هفتاد باشد؟**

این ابداع در فلسفه زایش شعر نیمایی بود و
شاید مهم‌ترین شاخه‌ای زیبایی‌شناسی شعر
نور در ادبیات فارسی باشد. نمّا و انقلاب ادبی
او با ابداع یک جریان اصیل در شعر فارسی،
امکان ایجاد افق‌های روشن را فراهم ساخت و
خود را به درستی به روی خانه‌ای تشبیه کرد که
می‌توان از هر جگانه‌ای بنا به اقتضای ظرف زمان،
مکان و درگ‌ضرورت‌ها و الزامات آب برداشت.
درحقیقت، پی و پایاب بسط افق‌های بدیع
در شعر معاصر، با فهم دقیق نیما از ادبیات و
زبان، به شکل امری استسکامی و استدرجایی
و به توسع و بسط ادبیات فارسی منجر شده
است. نیما به تداوم تاریخ شکل متن ادبی در
وادی شعر پایان داد و با برهم زدن نسبت‌های
فرمی و محتوایی متغیر در شعر، امکانات
تازه‌ای را برای ظهور ضرورت‌های زیباشناختی
پدید آورد که بدون تردید هر مرسوم به دهه
هفتاد تجلی اصیل‌ترین تعمق نیما در ادبیات
فارسی است. شعر اصیل دهه هفتاد از امتزاج
جریان‌هایی مانند شعر آوانگارد علی‌الدروازی،
شعر حرکت ابوالفضل پاشا، شعر گفتار
صالحی، شعر در شرایط دیگر علی باباجاهی،
شعر زبان رضا برهانی، شعر حجم یدالله
شیرخاندینی مهرداد فلاح، شعر انحرافی و
غیراصیل سادۀ نوینسی که بواسطه ساختاری
نگرندوی و سیانلو(نویسنده سخن‌نگار تاوقت دیگر)

سربرآورد، شعر فرانوی فرزاد میراحمدی، شعر
پساروایی شجاع گل ملایری و.... تشکیل شد و
بانی فتح ابواب و افق های متکثری تحت عنوان
جریان شعر موسوم به دهه هفتاد و مولود بدعتی
اصل، از سنت ادبی پسانیمایی شعر فارسی شد.
جریان شناسی شعر معاصر و حتی آنتولوژی شعر
پسانیمایی بر عدم تثبیت ابرروایت ها بنا شده
است، پس لاجرم با این حقیقت سیال مواجه
هستیم که جز هر چند قرن، هر یک دهه و یا
شاید کمتر از آن با سر برآوردن یک جریان ادبی
مواجه باشیم.

❖ چه ویژگی و مجموعه عواملی موجب
شد جریان شعر حرکت مورد توجه شاعران و
منتقدان قرار بگیرد؟
منطق مرکزی شعر حرکت، استحاله شدگی



منجر می شود. در شعر متعدد، تقلید به
ابزاری برای حصول امر تقوییه ای در آرای تقویت
خاستگاه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و
سیاسی نوده ها صورت می گیرد، اما در شعر
ملیتزم با تکیه بر انرژي زبان در معرفی اعمال ذهن
و تکنیک و تمهید ادبی، تعالی ذهن خلایق
برای ظهور انرژي های نهفته عقل و معرفتی که
به نفعی از زبان و دند بازی های مادی و مری پردازش
رخ می دهد و مکانیسم فعال عقل فاعل، جای
شهوت غریبه و میل به خوانع فطری و روزمره
گرفته و با المینیسم که غایت نفع عقل و معنوی و
فلسفی است، مقابله ای سهمگین می بیند پردازش
در این میان انتخاب با مخاطب است که فاعل
شناسا باشد و به تداوم حیات حافظه فرهنگ و
زبانی خود بخود پردازد و یا در سیطره هابز
دند بازی غرایب خود، ساحتی محدود و متعین

با پس‌زمینه مذهبی، سنتی و توباهایی قبیله‌ای اتفاق می‌افتد. داستان هم به صورت شخصی و سیاسی، هم خصوصی و عمومی، حوادث غم‌انگیزی را به تصویر می‌کشد، به‌طوری‌که باعث قتل مردی بی‌گناه و از هم‌پاشی یک خانواده می‌گردد. نثر شاعرانه و موسیقایی او روندنای روی روایت قدرت جادویی و استوارهای داستانی‌اش است. تصور را ایجاد می‌کند که سبک او رئالیسم جادویی است، (انظرو که در هند او را با گابریل گارسیا مارکز مقایسه می‌کنند) با وجود این، خارق‌العاده‌ترین رویدادهایی که در «خدای چهرهای کوچک» اتفاق می‌افتد، تنها تخیل پرشور و شعری نیست؛ بلکه عوارض جانبی شورش‌مردی راوی و زورمهر روی است؛ همان طور که از چاکلیک کاراکترهای رمان با صادی بلند و خاص وقت‌های مطالعه‌اش می‌گوید: «جن، طبیعت بشر هر چیزی امکان‌پذیر است. هر چیزی، عشق، جنون، امید، لذت بی‌پایان... این داستان تاحد زیادی از چاکلیک‌ها و اسرار خاقل و فلولو پخته‌شده است. روندنای کاری خارق‌العاده از دنیای غیرعادی کودک به تصویر کشیده است که ملولو از حس برتری و ناامیدی، شکنندگی، بی‌گناهی عقل و معاش است. او ارتباط صدیقی غیرطبیعی د فلولو (راخل و استا) و اشتیاق آنرا برای تصدیق گرفتن از مادرشان را به نمایش می‌گذارد. حتی در هفت سالگی، استاکم حرف‌تر بود، مدل آرایش موها و کفش‌های نخودی رنگ نولک تیزش و فار بی‌ش تر داشت. راحل اما آنجکجا، صمغ، دند و نیز و مغرور بود. می‌خواستشان و همسایگانشان در جامعه دند و کیم به‌منه هند ادا نرود و بد فلولو آشنای می‌شود. مادرشان، آمو، زنی تنها، به‌گونه‌ای رازلود سرکش که احساس می‌کند ازدواج شکست خورده‌اش با یک دائم‌الخمر شانس خوشبختی و اوچ گرفتن او و برابن کرده است. هر موی شان، چاکو، محقق سابق اسفود که اسفود را دوست دارد تا کارخانه ترشی سازی مادرش را اداره کند. و عمه بزگشان، بی‌بی‌کو، چاکو، زنی خبیس، کامی عظیم‌الجثه که شوق یک طرفه‌اش به یک کشیش به‌طور کامل زندگی‌اش را گرفته کرد. ما با رفیق بیلا، سیاستمدار محلی که حاضر بود مردم را به خاطر افسوس فلندک (در واقع یک سیاستمدار حرفه‌ای بود) در این داستان ملاقات می‌کنیم و

رقصیدن با اشباح در
محمد جانبازان

بود و دقوله‌ها و مادرشان به عاشق می‌ورزیدند، آشنای شویم. زندانی‌های روی صحنه تصویر بسیار غنی از عادات و کارهای روزانه شخصیت‌هایش را به ما نشان می‌دهد. او زندگی عاطفی‌اش را با درون‌بینی و خودنمایی تریس می‌پوشاند. به‌خورد سادات بازی کشنده، از آشکار می‌کند، خشونت و بی‌ربایی که تقدیر آنها برای همیشه، رقم می‌زند. جزئیات ریز بسیار زیادی از صفحه به صفحه به شخصیت‌های سنجاق می‌کند و از آنها را در ذهن ما ثبت می‌کند؛ تریس خانواده، ماچای که بدون عینک صفحه تریس خود ناپایا بود، و بولن می‌نواخت، چاکو، بدقت هرچه تمام‌تر هواپیماهای مکتبی را که از چوب بالاسامی ساخت هنگام تصادم با مازع از سرسبزینج رفته می‌کرد، و راحل، که موهایی سرکش را با موشی بسته بود، در فکر غلبه بر شخصیت‌هایش در برابر افرادی بود که عاشقشان بود. چه‌جایی که این شخصیت‌ها در آن زندگی می‌کنند کاملاً برای خواننده قابل لمس است.

